

جریان نولیبرال  
در ایران بایک  
پروپاگاندا  
سیاسی، کاری  
کرد که انگار  
پوپولیسیم یعنی  
عوام فریبی! اگر  
لغت پوپولیسیم  
را به صورت  
تحت الفظی به  
فارسی برگردانیم،  
معنای عوام فریبی  
ندارد.

یک بخش از گفتار پیش رو، شامل مقدمات است که راجع به بازخوانی تاریخ ایدئولوژی و خوانش انتقادی پوپولیسیم به مثابه یک ایدئولوژی است و به نمونه‌های تاریخی آن اشاره می‌کنم. بخش دوم معطوف به مقوله دولت در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی است. این که در اندیشه سیاسی اسلام انقلابی و در مناسبات برآمده از نسبت میان «امت-امامت» چه درکی از رابطه «دولت-ملت» می‌توانیم داشته باشیم؟ چون عمده اظهارنظرهای ما در این حوزه، حول محور درک مدرن از مفهوم «دولت-ملت» است. سپس به سفرهای استانی دولت آیت الله رئیسی می‌پردازم و این پرسش را در نظر می‌گیرم که سفرهای استانی چه ظرفیت گفتمانی‌ای برای مفهوم «دولت مردمی» دارد؟ و به این سؤال جواب می‌دهم که آیا سفرهای استانی در تغییر نسبت میان دولت و مردم یا تغییر نسبت بین دولتمردان و بدنه اجتماعی مردم چه نقشی ایفا می‌کند؟ در نهایت به این موضوع مناقشه‌زای پیردازم که آیا سفرهای استانی «مصدق پوپولیسیم» است؟

در انتهایم خواهیم به این جمع‌بندی برسیم که سفرهای استانی دولت می‌تواند آغازی باشد بر مقوله‌ای به نام خرق حجاب «مناسبات بوروکراتیک». این مسئله یکی از معضلات اجتماعی، سیاسی و اداری «ایران شبه مدرن» است.

از زمانی که شبه مدرنیته در ایران به وجود آمده است یکی از مشکلات جدی ما همین مسئله مناسبات بوروکراتیک بین حاکمان و بدنه اجتماعی مردم است. گمان می‌کنم اگر بتوانیم از مقوله سفرهای استانی به یک گفتمان تئوریک برسیم و

